

تأثیر اتحادیه اروپا بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

حمیدرضا فرزاد*

ارسلان قربانی^۲

غلامرضا کریمی^۳

۲۷۳



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

سوم، شماره پیاپی

بیست و نهم

پاییز ۱۳۹۷

چکیده

سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران به عنوان یکی از اصلی‌ترین روندهای تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی در دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی بوده است. این مسئله به عنوان یکی از اصلی‌ترین متغیرها و عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌گردد. این مقاله با تأکید بر نقش اتحادیه اروپا بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران در دوره ریاست جمهوری دولت هشتم و نهم، در تلاش است تا این تأثیر را با تأکید بر الگوی نظری رئالیسم تهاجمی مورد بررسی قرار دهد. سؤال این پژوهش این است که اتحادیه اروپا در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ چه تأثیری بر روند سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران باقی گذاشته و فرضیه پژوهش نیز بر این مبنا است که اتحادیه اروپا در موضوع هسته‌ای ایران در طی سال‌های مذکور در قالب سیاست‌های تقابل با ایران و همراهی با ایالات متحده آمریکا در پی واکنش به اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده و همین امر نیز موجب رویکردهای تهاجمی ایران در حوزه سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای گردیده است. محقق در این پژوهش با استفاده از توصیف دقیق روند تاریخی، تأثیر اتحادیه اروپا بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران را معین می‌کند. این مقاله بر مبنای الگوی توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های روزآمد جهانی این حوزه و روش کتابخانه‌ای و با تأکید بر چهارچوب نظری رئالیسم تهاجمی تدوین یافته است.

واژگان کلیدی: رئالیسم تهاجمی، مسئله هسته‌ای ایران، تکنولوژی هسته‌ای، موازنه قوا، تهدید و هراس

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

* hrf1345@gmail.com

۲. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران

۳. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و نهم، صص ۲۷۳-۳۰۴

مقدمه

همراه با شکل‌گیری انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری ایران و پیروزی محمود احمدی‌نژاد، شاهد برخی تغییرات اساسی در رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده‌ایم که تعاملات اتحادیه اروپا و ایران را در موضوع هسته‌ای با چالش و بحران رو به رو ساخت. این تغییرات در مواردی ادامه مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا را با چالش رو به رو ساخت و شاهد شکل‌گیری مرحله جدیدی از تعامل و تقابل مابین طرف ایرانی و طرف اروپایی غربی بوده‌ایم. در این دوره شاهد چرخش سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال موضوع هسته‌ای ایران بوده‌ایم که این مورد منجر به پیگیری رویکردهای رئالیستی و تقابل جویانه ایران در مقابل این هجمه طرف اروپایی نیز می‌گردد. مسئله هسته‌ای به عنوان یکی از اصلی‌ترین منافع ملی ایران در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی بوده که توسط دولت‌های متفاوت به عنوان راهبردی با اهمیت مورد پیگیری قرار داشته است. در این بین تأثیر اتحادیه اروپا بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز در بازه زمانی بعد از اتمام گفت و گوهای اقتصادی سال ۲۰۰۱ و عدم ثبات گفت و گوهای سازنده مابین طرفین، امری با اهمیت بوده است. در طی این دوره اتحادیه اروپا به دلیل همراهی و همراستایی که با آمریکا داشته به مرور مسئله هسته‌ای ایران را مورد هجمه‌های تحریمی خود قرار داده و به ویژه بعد از روی کار آمدن دولت بوش و حادثه یازده سپتامبر، ایران به عنوان یکی از محورهای شرارت جهانی مورد معرفی قرار می‌گیرد و همراهی اتحادیه اروپا با این ایده، بر روند سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز تأثیر می‌گذارد. پیگیری رویه‌های تقابل جویانه از سوی طرف ایرانی در موضوع هسته‌ای که در تضاد با امنیت طرف اروپایی نیز تعریف می‌گردید، نمودی از این تغییر سیاست‌های هسته‌ای ایران در بستر تقابل با اتحادیه اروپا بوده است. در طی این دوره رویکردهای تهاجمی اتحادیه اروپا در قبال ایران که به رهبری ناتو و آمریکا صورت می‌گرفت، بر روند سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأثیر داشت و تعاملات هسته‌ای ایران به عنوان اصلی‌ترین محرک استراتژیک کشور با نظام بین‌المللی در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۱۲ تحت تأثیر تهدید، هراس، موازنه سازی و معمای امنیت مابین طرف ایرانی و اروپایی قرار می‌گیرد. این مقاله با فرض این مسئله به تبیین تاریخی فضاها و مسائل

پیش آمده مابین بازیگران بین‌المللی در این حوزه می‌پردازد و تأثیر سیاست‌های اتحادیه اروپا بر روند سیاست گذاری هسته‌ای ایران را در این بازه زمانی نشان می‌دهد.

چارچوب کلی رئالیسم تهاجمی در موضوع هسته‌ای

سیاست گذاری‌های خارجی طرف اروپایی در قبال ایران در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۲ را می‌توان تابعی از نظریات رئالیستی دانست که رویکرد رئالیسم تهاجمی توانایی تبیین برخی از شاخص‌های آن را دارا می‌باشد.

۲۷۵

نظریه رئالیسم تهاجمی در وهله اول، اندیشه‌ای است که بر مبنای رویکرد آنارشی شکل گرفته و در آن دولت‌ها برای به حداکثر رسانی قدرت و یا نفوذ نسبی خود عمل می‌کنند، در این رویکرد امنیت و بقا درون نظام بین‌الملل قطعی محسوب نمی‌گردد و در ارتباط با مفاهیمی همچون قدرت و نفوذ تعریف می‌شود. در این رویکرد زمانی که منافع یک کشور بیشتر از هزینه‌هایش باشد، توسعه‌گرایی در دستور کار قرار می‌گیرد.

الگوی رئالیسم تهاجمی با استفاده از روشی تاریخی، سیر و روند تحولات بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده و نقش قدرت نسبی را در تحولات سیاست خارجی مدنظر دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۰).

در این رویکرد مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که دولت‌هایی که به نحو فزاینده‌ای در فکر ثروتمندتر شدن بوده و ساخت ارتش‌های بزرگ را در دستور کار قرار داده‌اند، درصدد افزایش نفوذ و تاثیرگذاری بیشتر خود بر محیط بین‌المللی نیز می‌باشند. این دولت‌ها از کاهش توانمندی‌های نسبی خود هراس داشته و درصدد افزایش آن از شیوه‌های تهاجمی‌اند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۱) قدرت مابین کشورها نیز همچون ارز در اقتصاد مورد معرفی قرار می‌گیرد و رقابت نمود اصلی تحولات بین‌المللی است. در این رویکرد دولت‌ها بر سر قدرت نسبی با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. هر میزان پول در اقتصاد حائز اهمیت باشد، قدرت نیز برای سیاست بین‌الملل در این رویکرد اهمیت دارد (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۶۳).

از منظر رئالیسم تهاجمی و مرشایمر، در تعاملات بین‌المللی عموماً توجه دولت‌ها به منافع نسبی در همکاری‌ها می‌باشد و در نهایت آنارشی فضای کمی را برای همکاری و



اعتماد باقی می‌گذارد. رئالیسم تهاجمی درصدد تبیین سیاست خارجی دولت‌های توسعه طلب و قدرت خواه است و برای تبیین سیاست خارجی کشورهایی که در پی به دست آوردن قدرت از راه‌هایی به غیر از همکاری می‌باشند، بسیار مؤثر و مفید است. مرشایمر مانند مورگنتا معتقد است که اولویت اصلی دولت‌ها در سیاست خارجی بیشینه سازی قدرت است (Mearsheimer, 2006: 110).

در رئالیسم تهاجمی، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل در کنار بی اعتمادی دولت‌ها به هم و در کنار نیت و توانمندی تهاجمی دولت‌ها از یکدیگر، تعاملات سیاست خارجی کشورها را ایجاد می‌کند (Mearsheimer, 2006: 111-112). در این رویکرد قدرت در دو سطح حقیقی و بالقوه دولت‌ها را مجاب به پیگیری رویه‌هایی تهاجمی می‌نماید و افزایش قدرت نظامی در مسائل بین‌المللی به دلیل عدم اطمینان از توانایی‌ها و ابزارهای طرف مقابل در برداشت حداکثری و تجاوزکارانه از امنیت ضروری است. برخی موارد در روابط بین‌الملل در این الگو بر سیاست گذاری‌های طرفین تأثیر دارد. الف) فقدان اقتدار مرکزی فراتر از دولت‌ها که از آنان در برابر یکدیگر حمایت کند، ب) برخورداری همیشگی دولت‌ها از ظرفیت‌ها و توانایی‌های نظامی تهاجمی، ج) عدم آگاهی دولت‌ها از مقاصد و نیت دیگر کشورها (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۷۰).

به وجود آمدن معمای امنیت، تلاش برای افزایش توان نظامی، ماهیت آنارشیک نظام بین‌المللی و شهوت ذاتی قدرت‌ها برای کسب و حفظ نفوذ در رقابت‌های بین‌المللی تأثیر گذار است (Waltz, 1988: 817) بازدارندگی نیز مفهومی است که در تعامل با این عوامل بروز و ظهور می‌یابد (Jevis, 1989: 4). یکی از این بازدارندگی‌ها که در حوزه هسته‌ای تعریف می‌گردد، از دهه ۱۹۵۰ میلادی مورد توجه روابط بین‌الملل قرار گرفته و از آن زمان به عنوان راهی در جهت ساخت توازن و امنیت نام برده شده است (Powell, 2003: 89).

این بازدارندگی در رویکرد رئالیسم تهاجمی مورد توجه است و امروزه سلاح‌های اتمی به همراه موشک‌های بالستیک، حتی کشورهای ضعیف را نیز قادر ساخته تا قدرت رئالیستی و نظامی بالایی را داشته باشند (Schmidt, 2008: 8). در رویکردهای رئالیستی و رئالیسم تهاجمی اگر کشوری سلاح‌هایی باتوان بازدارندگی را نداشته باشد، دارای

ضعف‌های جدی است (Waltz, 1990: 732). در حوزه هسته‌ای نیز کسب تکنولوژی و فناوری‌های جدید نیز به عنوان امری بازدارنده مورد معرفی قرار می‌گیرد. فناوری‌های پیشرفته هسته‌ای و در گام بعدی امکان بالقوه ساخت سلاح‌های هسته‌ای (در شرایط بحران) به عنوان گامی در جهت ساخت موازنه محسوب می‌گردد که هراس از اقدام تلافی جویانه را ایجاد و فضای صلح را سبب می‌شود. این راهبرد ساخت موازنه در مقابل تهدید محسوب می‌گردد.

در این رویکرد مسئله بازدارندگی هسته‌ای (نه لزوماً داشتن سلاح هسته‌ای، بلکه بالا بردن توانایی‌های یک دولت در تکنولوژی‌های غنی سازی هسته‌ای) به عنوان یکی از روش‌های اساسی و با اهمیت در حل بحران‌های ناامن ساز جهانی مورد معرفی قرار می‌گیرد. مسئله بالا بودن تکنولوژی‌های هسته‌ای در این رویکرد به عنوان یک پرستیژ و اعتبار از منظر قدرت‌های بین‌المللی معرفی می‌گردد (Louis, 2014: 30). در رویکرد رئالیسم تهاجمی بهبود فناوری‌های و تکنولوژی‌های سطح بالای هسته‌ای، می‌تواند یک دولت را در قدرت گیری در سطوح جهانی به میزان بالایی توانمند نماید (Lieber and Press, 2013). بدین دلیل نوع تعاملات طرف اروپایی در مناسبات بین‌المللی با ایران، تمایلات سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی را نیز به سوی رویکردهای رئالیسم تهاجمی سوق داده که در ادامه مورد تبیین قرار می‌گیرد.

در این الگو پیگیری بازی حاصل جمع ناصفر در سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران و معرفی آن به عنوان عاملی در جهت حفظ امنیت خود و کاهش امنیت طرف اروپایی بر مبنای رویکرد رئالیسم تهاجمی تبیین می‌شود (Schmidt, 2008: 9).

ساخت بازدارندگی و حل چالش‌های امنیتی با استفاده از فناوری‌های هسته‌ای، خودیاری و تأمین امنیت کشور بر مبنای آن و تلاش برای حل معمای امنیت و حل تهدیدات از شاخص‌های اساسی رویکرد رئالیسم تهاجمی در مقولات هسته‌ای بوده که در دوره احمدی‌نژاد در سیاست گذاری‌های هسته‌ای قابل مشاهده بوده است. کمبودها در حوزه امنیت مطلق و درگیری‌های رخ داده در خاورمیانه و عدم توانایی نظام بین‌الملل و منطقه‌ای در ساخت و حفظ صلح پایدار نیز این تعاملات را گسترده‌تر می‌سازد. افزایش تهدیدات، درگیری‌های منطقه‌ای، در خطر قرار گیری امنیت کشور ایران و ...

عواملی است که در این دوره میل کشور به پیگیری رویه‌های رئالیسم تهاجمی را افزایش داده است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۴۵). در ادامه در روندی تاریخی شکل‌گیری تقابل سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران و تأثیر این عامل بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

شکل‌گیری تقابل طرف اروپایی با سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران ۲۰۰۵-۲۰۰۸

برای تبیین تأثیر سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران در دوره احمدی‌نژاد (بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸) بایست زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری این بدگمانی‌ها و هراس‌های ایجاد شده توسط طرف اروپایی را مورد تبیین قرار داد.

در روندی تاریخی بعد از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، شاهد شکل‌گیری روند فزاینده تخصصی شدن و رئالیستی شدن تعاملات طرف ایرانی و اروپایی بوده‌ایم. در سال ۲۰۰۵ شاهد تحول در سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران و تغییر نخبگان سیاسی کشور نیز بودیم که بر محیط سیاست‌گذاری هسته‌ای کشور نیز تأثیر می‌گذارد. محمود احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۱۳۸۴ به عنوان رئیس‌جمهور ایران مورد معرفی قرار می‌گیرد و این مسئله بر روند و رویکردهای ارتباطی مابین دو بازیگر ایران و اتحادیه اروپا نیز در طی سال‌های آتی تأثیرات فراوانی را باقی می‌گذارد. به صورت کلی همزمان با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، نخبگان دستگاه سیاست خارجی کشور نیز دچار چرخش می‌گردند. ایران در ژوئن ۲۰۰۵ دور جدیدی از مذاکرات هسته‌ای را شروع می‌نماید. در ماه اوت ۲۰۰۵ ایران فعالیت‌های تبدیل اورانیوم را به صورت مجدد از سر می‌گیرد که این شروع تابعی از تصمیم اتحادیه اروپا و تعاملات این بازیگر برای محدود ساز اتمی ایران بوده است (Mousavian, H, 2012: 190).

به صورت کلی دستگاه سیاست خارجی ایران همراه با شروع دوره احمدی‌نژاد، توافق پاریس را بر مبنای بدعهدی طرف اروپایی به عنوان مانعی بر سر فعالیت‌های صلح‌آمیز خود معرفی می‌نماید و درخواست تعلیق‌های بی‌محدودیت طرف غربی را مورد نقد قرار می‌دهد (لاریجانی، ۱۳۸۳: ۸).

نگرش اتحادیه اروپا در دور جدید مذاکرات به هیچ عنوان خوشبینانه نبود و بر مبنای رصدی که از شرایط سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته، رویکردهای خود را به رئالیستی تغییر جهت می‌دهد. در این دوره شاهد تلاش اتحادیه اروپا برای پیدا نمودن رویه‌های مناسب قهر آمیز در برخورد با ایران بوده‌ایم. این مسئله منجر به سردمداری طرف اروپایی برای فشار بر ایران می‌گردد. در سپتامبر ۲۰۰۵، اعضای اتحادیه اروپا برای تصویب قطعنامه‌ای جدی بر علیه ایران مجموعه‌ای از مذاکرات را در دستور کار قرار می‌دهند و آن را به هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه می‌کنند. در متن این قطعنامه درخواست می‌گردد که فعالیت‌های هسته‌ای ایران، روندی شفاف به خود یافته و ایران نیز در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای، شبهاست و سؤالات موجود را پاسخ دهد تا صلح را به مخاطره نیاندازد (International Atomic Energy Agency, 24 Sep. 2005).

اتحادیه اروپا در قالب این قطعنامه، تهدید به تحریم علیه ایران را در دستور کار قرار می‌دهد. این رویه اتحادیه اروپا منجر به تغییر رویه سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز می‌گردد. در ۷ ژانویه ۲۰۰۶ ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نامه‌ای را ارسال می‌کند که در آن نشانه‌ای جدی از تغییر رویه سیاست‌گذاری‌های ایران در حوزه‌های هسته‌ای مشاهده می‌شود. ایران بر مبنای الگوی تهدید در مقابل تهدید عمل نموده و در متن نامه درخواست می‌کند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پلمپ تاسیسات هسته‌ای را باز نموده و در تاسیسات هسته‌ای نظنر امکان باز فعالیت را فراهم آورد.

این سیاست‌گذاری هسته‌ای که در تقابل با رویکرد طرف اروپایی تدوین یافته بود، این بازیگر را ناراضی می‌نماید و در ۱۲ ژانویه همین سال، نامه‌ای از جانب سه کشور اروپایی به خاویر سولانا ارسال می‌گردد که در آن اعلام نارضایتی از سیاست‌گذاری هسته‌ای ایران و رسیدن به بن بست اولیه در مذاکرات اعلام می‌شود. در ۳۰ ژانویه وزاری خارجه سه کشور اروپایی به همراهی چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا، برای فعال‌سازی مجدد شورای امنیت سازمان ملل متحد در موضوع هسته‌ای ایران تلاش و گفت و گو را شروع می‌نمایند. در این شرایط نوعی بدبینی فزاینده و درگیرانه مابین دو طرف ایجاد می‌شود و این بدبینی‌ها بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز تأثیر می‌گذارد. طرف اروپایی بعد از خروج ایران از معاهده پاریس، تلاش گسترده‌ای را

برای حل مسئله هسته‌ای از طریق شورای امنیت در دستور کار قرار می‌دهد. تقابل اتحادیه اروپا و ایران در موضوع هسته‌ای از فوریه ۲۰۰۶ تا نوامبر ۲۰۰۸ واضح تر می‌شود.

تلاش اتحادیه اروپا برای ورود پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد همزمان با دور جدید نشست سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ شروع می‌شود. در این دوره همراستایی اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا را نیز شاهد هستیم و همراستایی سه کشور اروپایی و پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه ایران در قالب اجماعی جهانی صورت می‌گیرد. این روند منجر به گستردگی بحران در ارتباطات ایران و اتحادیه اروپا می‌شود. به وجود آمدن دو ائتلاف تحت نام‌های E3+3 و یا گروه پنج به علاوه یک P5+1 شاخصی از این اجماع بین‌المللی برای مهار هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. اتحادیه اروپا اعلام می‌کند که مسئله هسته‌ای ایران مصداق نگرانی امنیتی جهانی است و رویکردی تحریمی در قبال سیاست خارجی ایران بایست مورد پیگیری قرار گیرد.

مبدل کردن E3 به E3+3 و تلاش برای ایجاد اجماع و تصمیم‌گیری واحد در حوزه هسته‌ای مابین قدرت‌های مطرح جهانی، امری بوده که توسط اتحادیه اروپا در این دوره پیگیری می‌شود. دو کشور چین و روسیه، در گام‌های اولیه نسبت به تحریم‌های اعمالی بر علیه ایران شک داشته و همراهی پیگیر و مداومی را با سیاست‌های رئالیستی اتحادیه اروپا نداشته‌اند، اما به مرور همراهی با طرف اروپایی را در دستور کار قرار می‌دهند. اتحادیه اروپا تلاش داشت تا با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، جایگاه کشورهای اروپایی را در مذاکرات آتی با جمهوری اسلامی ایران بهبود بخشد. از منظر اتحادیه اروپا، زمانی که شورای امنیت، تحریم‌ها را بر علیه ایران اعمال نماید، ترس از زور قدرت‌های بین‌الملل، ایران را در حوزه‌های هسته‌ای مدیریت خواهد کرد (United Nations, Security Council, 31 Jan. 1992).

این تلاش اروپا به همراهی ایالات متحده آمریکا برای هراساندن ایران از ورود به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد گامی به رهبری سه کشور فرانسه، انگلستان و آلمان صورت می‌گیرد. بر مبنای هماهنگی‌هایی که تحت مدیریت اتحادیه اروپا و

همراهی آمریکا در موضوع هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶ انجام می‌شود، چشم انداز اولیه بسته پیشنهادی تحریم‌های چند جانبه از سوی اتحادیه اروپا و با هماهنگی و همکاری آمریکا تدوین می‌گردد. در مورد زمان بندی، مفید بودن، عملکردها و محدوده اقدامات اجباری، شاهد نوعی دوگانگی در نگرش اتحادیه اروپا بوده‌ایم و علی‌الخصوص سه کشور اروپایی در این حوزه به اجماع نمی‌رسند. در ۱۶ مارس ۲۰۰۶، انگلیس اعلام می‌نماید که نسبت به دو کشور فرانسه و آلمان، علاقه بیشتری را برای پیگیری اقدامات اجباری و نظامی بر علیه ایران دارد (Kerr, P, Apr 2006: 31). در این مرحله، دو کشور چین و روسیه با تحریم‌ها و ایجاد قطعنامه‌ای جدی و توییحی بر علیه ایران، مخالفت جدی خود را اعلام می‌نمایند. در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶، در جریان بحث در دور اول شورای امنیت، ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه نیز اعلام می‌کند که تحریم‌ها به تنهایی احتمال اثر بالایی را برای مدیریت هسته‌ای ایران نخواهند داشت و از این رو بایست برنامه‌های قوی‌تر رئالیستی را برای تقابل با برنامه‌های هسته‌ای ایران در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داد. بر مبنای تلاش‌های انگلستان و فرانسه برای محدودیت سازی جمهوری اسلامی ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد مجموعه‌ای از اولین سند تحریمی برای ایجاد محدودیت‌های تجاری بر اعمال ایران را مورد معرفی قرار می‌دهد. در اولین گام شورای امنیت در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ بیانیه‌ای را صادر می‌کند که ایران نسبت به قانع سازی شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای اش موفق نبوده و از این رو بایست فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف نماید (Kerr, P, Oct 2006: 12).

در قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد به ایران پیشنهاد (امر) می‌کند که تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی سازی و باز فرآوری هسته‌ای، از جمله مسائل مرتبط با تحقیق و توسعه هسته‌ای را متوقف کند (United Nations, Security Council, 31 July 2006). از سویی دیگر مجموعه‌ای از پیشنهادات کشورهای E3+3 در تاریخ ۶ ژوئن ۲۰۰۶ به ایران ارسال می‌گردد که در این پیشنهادات توسعه روابط و همکاری متقابل بازیگران بین‌المللی با ایران براساس احترام متقابل و ایجاد اعتماد بین المللی در

سایه تاکید بر ماهیت منحصراً صلح آمیز برنامه‌های هسته‌ای ایران بیان می‌شود (UN Security Council Resolution 1696, 31 July 2006).

در این شرایط بازخورد سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز نسبت به تحرکات طرف اروپایی در جهت همراهی با آنان نبوده و ایران مایل به تعلیق چرخه سوخت نبوده است (International Atomic Energy Agency, 31 Aug. 2006).

بر مبنای این گزارش، در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای دیگر تحت عنوان ۱۷۳۷ را تصویب می‌نماید. در این قطعنامه به صورت جدی دور اول تحریم‌ها بر علیه ایران عملیاتی می‌گردد. این تحریم‌ها عمدتاً سوبه اقتصادی داشته و به محدودیت کالاها و ارتباط تجاری مرتبط بوده است. در این قطعنامه ذکر می‌شود که کالاهایی که به طور بالقوه مرتبط با موشکی و هسته‌ای می‌باشند، بایست مورد تحریم قرار گیرند (UN Security Council Resolution 1737, 27 Dec. 2006, para. 3).

قطعنامه بعدی تحت عنوان ۱۷۴۷ نیز توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۰۷ مورد تصویب و اجماع کشورهای بین‌المللی قرار می‌گیرد. در این قطعنامه ممنوعیت صادرات سلاح به ایران تصویب می‌گردد (UN Security Council Resolution 1747, 24 Mar. 2007).

از سویی دیگر اتحادیه اروپا نیز در ۲۳ آوریل سال ۲۰۰۷ علاوه بر اجرایی کردن تحریم‌های قطعنامه‌های شورای امنیت، منابع و دارایی‌های ۸۰ نفر از اشخاص ایرانی را ضمیمه به تحریم‌ها می‌کند. در این فضا ارتباط گیری و تعامل دیپلماتیک ایران و اروپا به حداقل ممکن می‌رسد. فرانسه نیز بعد از انتخاب نیکولا سارکوزی به عنوان رئیس جمهور فرانسه در تاریخ ۶ می ۲۰۰۷ نسبت به ایران رویکردی تندتری را در دستور کار قرار می‌دهد. در این دوره فرانسه به عنوان پرچم دار مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اروپا معرفی می‌شود. سارکوزی روند و شیوه‌ای بر مبنای رئالیست تهاجمی را برای رساندن سطح غنی سازی ایران به صفر در دستور کار قرار می‌دهد. تلاش برای تحریم‌های سخت‌تر گوشه‌ای از این روش بوده و حمایت فرانسه از رژیم صهیونیستی یکی از دلایل این امر بوده است. در طی این دوره موضع گیری‌های طرف

ایرانی در مورد رویکردهای ضد رژیم منحوس صهیونیستی و دروغ هلوکاست، شرایط معرفی ایران توسط رسانه‌های اروپایی به عنوان عاملی در جهت اختلال در صلح خاورمیانه را نیز فراهم می‌آورد (Marashi, R. and Parsi, T, 14 Apr. 2012).

از سپتامبر ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا و بر مبنای پیشنهاد سارکوزی، تحریم‌های خاص بر علیه ایران را نیز مورد پیگیری قرار می‌دهد. (New York Times, 23 Sep. 2007) در این زمینه وزیر امور خارجه فرانسه (برنارد کوشنر) نیز اعلام می‌کند که اتحادیه اروپا بایست خود را حتی برای بدترین حالت ممکنه یعنی جنگ با جمهوری اسلامی ایران نیز آماده سازد (BBC News, 17 Sep. 2007) اگرچه برخی کشورها مانند آلمان در گام‌های اولیه رویکردهای با احتیاطی را در مسئله تحریم‌های هسته‌ای داشته‌اند (Crail, P, Oct 2007). اما به مرور آلمان نیز با دو کشور فرانسه و انگلستان بر پیگیری رویکرد رئالیسم تهاجمی بر علیه ایران در موضوع هسته‌ای به اجماع می‌رسد.

همراه با انتقال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، شاهد همگرایی فزاینده اروپا و آمریکا در مسئله هسته‌ای نیز بوده‌ایم. پیش از این و در سال ۲۰۰۵ و همراه با سفر فوریه بوش به اروپا، این همگرایی را شاهد بوده‌ایم (Russell, A, 24 Feb. 2005). به نظر می‌رسد که از سال ۲۰۰۵ به بعد نوعی تقسیم کار پنهان نیز مابین این دو بازیگر در مدیریت ایران ایجاد می‌گردد و اروپا وظیفه ارائه انگیزه‌های مناسب برای بازگشت به مذاکرات هسته‌ای و طرف آمریکایی نیز تهدید و ارعاب را بر عهده می‌گیرند. اگرچه پیشنهاداتی که از سوی طرف اروپایی به ایران ارائه می‌شود، مثبت و کارساز نبوده و همین امر منجر به حداقل شدن تعاملات می‌گردد. گزارش نوامبر ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا نیز گامی جدی در تحریم بعدی علیه ایران بوده است. (US National Intelligence Council, Nov. 2007).

بر مبنای این گزارش، قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه ایران تصویب می‌گردد که در آن دور سوم تحریم‌های ضد ایرانی شکل می‌گیرد و محدودیت‌های تجاری، فن آوری و تکنولوژیکی ایران تأیید می‌شود. در این قطعنامه از تمامی دولت‌های جهانی تقاضا می‌گردد که بر معاملات مالی و بانکی خود با جمهوری اسلامی ایران نظارتی دقیق داشته و آنان را مورد توجه قرار دهند. این قطعنامه هر فعالیت

احتمالی برای توسعه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای را در دستور کار قرار داده و تلاش می‌کند از تمامی امکانات و سیستم نظارتی هوایی جهان برای محدود سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران استفاده ببرد. به صورت کلی در این بازه زمانی جمهوری اسلامی ایران نیز به مسئله هسته‌ای به عنوان یک ابزار استراتژیک توجه می‌نمود و برخلاف خواست طرف اروپایی، برنامه ریزی‌های گسترده‌ای را برای پیگیری روندی تهاجمی در سیاست گذاری‌های هسته‌ای را در دستور کار قرار می‌دهد. بر این مبنا ایران در اوایل سال ۲۰۰۹، توانست در حدود ۱۰۰۰ کیلوگرام LEU تولید و بیش از ۳۰۰۰ سانتریفیوژ را نیز در نطنز راه اندازی کند (International Atomic Energy Agency, 19 Feb. 2009).

تهاجمی شدن سیاست اروپا در قبال مسئله هسته‌ای ایران (نوامبر ۲۰۰۸ تا ژوئن ۲۰۱۲) در دوره بعد از ۲۰۰۸، شاهد شدت گیری درگیری‌ها و تعارضات مابین دو بازیگر ایران و طرف اروپایی بوده‌ایم که بر سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران نیز تأثیر می‌گذارد. رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ایران ملزم به برقراری تحریم‌های شدید و جدید بر علیه ایران نیز می‌گردد (Mousavian, H, 2012: 190).

طرف ایرانی این برداشت را از رویکردهای اتحادیه اروپا می‌کند که آنان در پی محدودیت‌های گسترده بر برنامه‌های هسته‌ای ایران هستند. اگرچه طرف اروپایی به واسطه پیشرفت‌های اتمی طرف ایرانی، غنی سازی به حد صفر را به عنوان یک هدف دیگر مدنظر نداشت و در تلاش بود تا از دستیابی ایران به سطوح بالاتری از غنی سازی جلوگیری نماید.

در ماه ژوئیه ۲۰۰۹ رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به ایران شدت می‌گیرد و دیوید کامرون نخست وزیر انگلستان، خطاب به اتحادیه اروپا، از دیگر شرکا می‌خواهد که به طور موقت تمامی کارکنان دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران را از اروپا اخراج نمایند. انگلستان این درخواست را به دلیل بازداشت ۹ نفر از کارکنان سفارت انگلستان در اعتراضات خیابانی ۱۳۸۸ می‌کند (Charter, D, The Times, 3 July 2009).

ایران در ژوئیه ۲۰۰۹ بر این اعتقاد بود که کشورهای اروپایی و غربی در تلاش‌اند تا در مسائل داخلی کشور مداخله نمایند (Blitz; J, Financial Times, 2 July 2009).

در این شرایط است که درگیری و تعارض مابین دو بازیگر شدت گرفته و روند تحریمی اروپا در قبال ایران افزایش می‌یابد. دستگاه سیاست خارجی اروپا اعلام می‌کند که تا ماه می سال ۲۰۱۰ ذخایر اورانیوم ۲۰ درصد جمهوری اسلامی ایران به حدود ۲۴۰۰ کیلوگرم افزایش پیدا نموده و دیوید کامرون نخست وزیر انگلستان راه حلی برای خروج این اورانیوم از ایران را مورد تاکید قرار می‌دهد تا ایران در آینده مبدل به انباری برای تسلیحات و اورانیوم‌های جنگی نگردد (Mousavian, 359-60). برداشت ایران از این سیاست‌ها نیز روند هسته‌ای ایران را شدت می‌بخشد. همراه با شکست ایده قرار مبادله سوخت ایران-ترکیه و برزیل، تعارضات ایران و طرف اروپایی نیز شدت می‌گیرد و در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه ۱۹۲۹ را بر علیه ایران تصویب می‌نماید. این قطعنامه فعالیت‌های مرتبط با توسعه فناوری‌های موشکی را در دستور کار قرار می‌دهد. تحریم هر تکنولوژی متصل به موشک بالستیک و تحریم بسیاری از شرکت‌ها و افراد فعال در جمهوری اسلامی ایران نیز از این موارد بوده است (UN Security Council Resolution 1929, 9 June 2010, para. 33).

در گام بعدی نیز در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا مجموعه جدیدی از تحریم‌ها را بر علیه ایران اعمال می‌کند. این تحریم‌ها فراتر از فهرست تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده و موارد تحریم‌های اقتصادی خاص و منع سرمایه‌گذاری اعضای اتحادیه اروپا در حوزه انرژی را در بر می‌گیرد. در این فضا تحریم‌های اروپایی - غربی تمامی حوزه‌های اقتصادی و توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران را نیز هدف می‌گیرد. اروپا بر این اعتقاد بوده که وضع تحریم بر علیه ایران، این کشور را برای دادن باج دهی به طرف اروپایی آماده می‌سازد (EU Presidency, 17 June 2010). در سطح مدیریت مذاکرات نیز تغییراتی اساسی را شاهد بوده‌ایم. در نوامبر ۲۰۰۹ کاترین اشتون، مسئولیت مذاکرات را از خاویر سولانا اخذ می‌نماید. اشتون سبک جدیدی با رویه‌های نرم‌تر، همراه با رضایت بیشتر، آرام‌تر و محکم‌تر را پیگیری می‌کند (Mittelstaedt, J., Neukirch, R. and Schult, C, Spiegel Online, 2012).

انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۸ نوامبر ۲۰۱۱ نیز روابط اتحادیه اروپا و ایران را مجدداً وخیم می‌کند. این گزارش ۱۵

صفحه ادعا می‌کرد که ایران درصدد دستیابی به فعالیت‌های نظامی در امور هسته‌ای است و رویه‌های ایران را رئالیستی معرفی می‌کرد. این گزارش تکنولوژی‌های ایران در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ را گامی برای توسعه انفجارهای هسته‌ای، برنامه‌های سلاح هسته‌ای، تدارکات هسته‌ای، دستیابی به مواد هسته‌ای خطرناک و حتی تست کلاهک هسته‌ای معرفی می‌کرد (International Atomic Energy Agency, 8 Nov. 2011).

این گزارش که از سوی طرف ایران به عنوان سیاه‌نمایی وضعیت اتمی ایران محسوب می‌گردید با استقبال طرف اروپایی همراه گردید و آنان از این فرصت برای اعمال محدودیت‌های بیشتر تجاری و اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. در ۲۱ نوامبر رئیس‌جمهور فرانسه سارکوزی نامه‌ای را به همتایان خود در انگلستان، آلمان، کانادا، ژاپن و ایالات متحده آمریکا می‌نگارد و از ممنوعیت واردات نفت از ایران سخن می‌گوید (Fuquet, H, Nov. 2011). در دسامبر ۲۰۱۱ نیز وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا تصمیم می‌گیرند که بر مبنای تسریع فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی ایران در حوزه بیست درصد و نقض شش قطعه‌نامه شورای امنیت و ۱۱ قطعه‌نامه شورای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نصب و راه‌اندازی سانتریفیوژها در یک مکان اعلام نشده و مخفی نزدیکی قم، دامنه اقدامات خود بر علیه ایران را گسترش دهند (Council of the European Union, 1 Dec. 2011).

در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ نیز شورای امور خارجی اتحادیه اروپا ممنوعیت واردات نفت خام ایران را اعلام می‌نماید و تمامی دارایی‌های بانک مرکزی ایران در اتحادیه اروپا را مسدود می‌کند. این محدودیت‌های تجاری در تاریخ ۱ ژوئیه بر ایران تأثیرات جدی را باقی می‌گذارد. این محدودیت‌ها بیشترین میزان محدودیتی بود که از زمانی تحریم‌های عراق در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ در قبال یک کشور اعمال می‌گردید (Council of the European Union, Council Decision 2012). تحریم‌های وضع شده بر روند سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد و در فضای بی‌اعتمادی شاهد رشد روزافزون پیشرفت‌های هسته‌ای ایران بوده‌ایم. همزمان سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز این روند را تسریع می‌نمود و دیوید کامرون، آنگلا مرکل، نیکولا سارکوزی در بیانیه مشترک بر موفقیت آمیز بودن این تحریم‌ها تأکید نموده و اعلام کردند که تحریم‌های

اتحادیه اروپا به گونه‌ای طراحی گردیده که توانایی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران برای تأمین بودجه‌های هسته‌ای را با بحران رو به رو سازد و از این رو این برنامه‌ها که صلح و امنیت اتحادیه اروپا را با مخاطره رو به رو ساخته است، محدود می‌گردد (British Prime Minister's Office, 23 Jan. 2012).

بعد از ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا محدودیت‌های تجاری خود را تشدید نمود و تحریم‌ها را با ممنوعیت همه معاملات بین بانک‌های اروپایی و ایرانی گسترش داد و حتی امکان صادرات و واردات دارو را نیز لغو نمود. در این شرایط اقدامات علیه بانک مرکزی ایران نیز شدت می‌گیرد (Council of the European Union, 15 Oct. 2012).

در اوج بحران مالی جهانی، کشورهایی مانند ایتالیا، اسپانیا و به خصوص یونان که معامله نفتی با ایران را مطلوب می‌دیدند، از محدودیت خرید نفت از ایران طفره می‌رفتند، اما در نهایت تلاش آن‌ها مانع تحریم‌های جدید بر علیه ایران نگردید. اتحادیه اروپا بر این اعتقاد بود که سیاست گذاری تحریم حداکثری آنان در ژانویه ۲۰۱۲ مجدا ایران را بر سر میز مذاکره باز می‌گرداند و همین اتفاق در فوریه ۲۰۱۲ رخ داد و ایران پیشنهاد بازگشت به مذاکرات را مطرح می‌سازد. دور جدید مذاکرات در شرایطی آغاز شد که در نوامبر ۲۰۱۲ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز انجام می‌شود و باراک اوباما به ریاست جمهوری آمریکا می‌رسد.

اتحادیه اروپا به صورت کلی در دوره احمدی‌نژاد در تلاش بود تا با تهدید به تحریم‌های اقتصادی و اعمال این نوع تحریم‌ها در حوزه‌های گوناگون، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را با محدودیت جدی رو به رو سازد اما ایران در طی این دوره روندی درگیرانه و رئالیست تهاجمی را مورد پیگیری قرار می‌دهد که تابعی از افزایش توانایی‌های هسته‌ای ایران تا مرز تولید سوخت بیست درصد بوده است. دلایل تأثیر سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر این روند تهاجمی ایران را بایست در مواردی مورد جست و جوی قرار داد که در قسمت‌های بعدی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

دولت احمدی‌نژاد و تغییر رویه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بعد از انتخاب دولت احمدی‌نژاد، شاهد تحولات سیاسی گوناگونی در حوزه سیاست‌های داخلی و همچنین سیاست‌های بین‌المللی ایران بوده‌ایم و تیم احمدی‌نژاد با تغییر در تصمیم‌گیران و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای، رویه‌های کشور را در این حوزه دگرگون می‌نماید. تاکید بر حقوق هسته‌ای و معرفی غنی‌سازی به عنوان محور اصلی تعاملات ایران در طی این بازه زمانی قابل مشاهده بوده است. یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری این رویکرد، سیاست خارجی تحریمی و توییخی طرف اروپایی بر علیه طرف ایرانی بوده که در سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای کشور نمود می‌یابد. به صورت کلی دولت احمدی‌نژاد مجموعه‌ای از رویکردها و اهداف را در سطح سیاست خارجی دنبال می‌نمود که برخی از آنان عبارت‌اند از: الف) رویکرد منطقه‌ای بر حسب ارتباط‌گیری با همسایگان و در گام بعدی کشورهای اسلامی و مدیریت این ارتباطات بر مبنای کارکرد و مسئولیت نظام جمهوری اسلامی ایران بر حسب اندیشه‌های اسلامی (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶ ب: ۶۹)، تلاش برای همگرایی با برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس (مجموعه سفرهای گوناگون به مناطق جنوبی خلیج فارس)، ب) تلاش برای نفوذ در قفقاز، شمال آفریقا، عراق، سوریه و حمایت از دولت بشار اسد، حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی و ...، ج) معرفی نظم جهانی عدالت محور توسط دستگاه سیاست خارجی کشور (تهاجم فعالانه به مفاهیمی مانند هلوکاست، رژیم صهیونیستی، ارزش‌های استعمارگرایانه و لیبرال و ...)، د) سیاست نگاه به شرق سیاست خارجی ایران، (بر مبنای ضرورت ساخت موازنه در مذاکرات و وارد کردن چین و روسیه به معادلات هسته‌ای). (حاجی یوسفی، پیشین، ۵۶)، و) سیاست جهان سوم‌گرایی، بر مبنای همراستایی با کشورهای غیر متعهد و جهان سوم، توجه به کشورهای در حاشیه مانده جهانی، توسعه مناسبات تجاری و توسعه‌ای و.. (باقری، ۱۳۸۸: ۴۳) در دوره احمدی‌نژاد خط مشی کلی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل سیاست‌های تحریمی و توییخی اتحادیه اروپا شکل می‌گیرد. در این دوره سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران در پاسخ به سیاست‌های اتحادیه اروپا و طرف آمریکایی در قبال ایران بر حسب موارد ذیل شکل گرفته بود:

۱) تلاش برای ساخت اجماع داخلی مابین گروه‌ها و جریان‌ها پیرامون مسئله هسته‌ای ایران، ۲) معرفی نمودن سیاست‌گذاری‌های توسعه هسته‌ای به عنوان امری حیثیتی در افکار عمومی ایران، ۳) سیاست‌های مردم‌گرایانه و آوردن آنان در صحنه‌های مستقیم سیاسی برای حمایت جدی از انرژی اتمی به عنوان حق مسلم، ۴) تلاش برای وارد کردن بازیگران جدید به مسئله هسته‌ای و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات، ۵) تلاش برای خارج کردن پرونده از حوزه سیاسی به حوزه‌های حقوقی و قرار دادن آن در چهارچوب‌های حقوقی و دایره آژانس بین‌المللی، ۶) قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته‌ای (نسیم الله اجاقلو، ۱۳۸۵: ۲۲)، ۷)

از دیگر برنامه‌های سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران در این بازه زمانی می‌توان از استفاده ایران از تعارضات بین‌المللی مابین بلوک شرق و غرب در جهت توسعه هسته‌ای، تلاش برای نفوذ در کشورهای جهان سوم، غیر متعهد و کنفرانس کشورهای اسلامی برای حمایت سازی از مسئله هسته‌ای ایران و ... نام برد. در این بین نقش محدودیت‌های طرف اروپایی و ممنوعیت و تویخ‌های آنان در مقابل ایران نیز حائز اهمیت است. ایران نیز راهبردهای خود را در تقابل با این موارد برنامه ریزی می‌نماید.

دلیل تخصصی شدن سیاست‌های هسته‌ای ایران در پرتو تأثیرات اتحادیه اروپا در دولت هشتم و نهم

همانطور که در روند تاریخی بیان گردید، سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تحت تأثیر سیاست‌های طرف اروپایی قرار داشته و در طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۲ روند تخصص و درگیری اروپایی‌ها با نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران را به نحو فزاینده‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این قسمت تلاش می‌گردد تا با تمسک به رویکرد رئالیسم تهاجمی دلایل شکل‌گیری شدت‌گیری سیاست‌های توسعه هسته‌ای ایران مورد واکاوی قرار گیرد و دلایل آن معین شود.

۱) تأثیر قطعنامه‌ها بر تشدید روند سیاست‌گذاری‌های رئالیستی هسته‌ای ایران

یکی از مواردی که از منظر رویکرد رئالیستی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سیاست‌گذاری‌های آنان در قبال یکدیگر را تغییر می‌دهد، مسئله تحریم و تشدید محرومیتشان از سوی دیگر بازیگران بین‌المللی است. این مسئله در حوزه هسته‌ای در قالب تحریم‌ها و قطعنامه‌های هسته‌ای نمود می‌یابد. در طی این دوره قطعنامه‌هایی که بر علیه ایران به ویژه از سوی طرف اروپایی تدوین می‌گردد، رویه‌ای رئالیستی و تقابلی داشته است. اروپا تلاش می‌نمود تا با حداکثر سازی هزینه بر علیه ایران، مسئله هسته‌ای کشور را مدیریت نماید. این قطعنامه‌ها نگرش طرف ایرانی را نیز نسبت به طرف اروپایی غربی همراه با بدگمانی و تعارض‌های منافع محور نمود و امکان شکل‌گیری فضای رئالیسم تهاجمی را در سیاست خارجی متقابلشان افزایش می‌داد. شروع این مورد در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ بوده که برای اولین بار بدبینی‌های فزاینده طرف ایرانی نسبت به طرف غربی اروپایی شدت می‌گیرد. در این بازه زمانی قطعنامه‌هایی که توسط طرف اروپایی غربی بر علیه ایران تدوین می‌شود، نیز افزایش می‌یابد. قطعنامه شورای حکام برای تعلیق غنی‌سازی و پیگیری میکانیسم ماشه نمودی از این مقوله بوده است (نسیم الله اجاقلو، ۱۳۸۶: ۴۰).

ایران نیز در پاسخگویی به این سیاست تحریمی و تویبخی در اوت ۲۰۰۵، رویه رئالیسم تهاجمی را مورد پیگیری قرار می‌دهد و در قالب نامه به مدیر کل آژانس بین‌المللی اتمی از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای UCF اصفهان را خواستار می‌شود. این درخواست منجر به جلسه فوق‌العاده شورای حکام در دی ماه ۱۳۸۴ می‌گردد که مجدداً طرف اروپایی بر محدود سازی سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأکید می‌کند (نسیم الله اجاقلو، ۱۳۸۶: ۳۹).

این بیانیه نیز از سوی ایران، مصداقی از تعامل رئالیستی و درگیرانه اتحادیه اروپا با مسئله هسته‌ای ایران مورد شناسایی قرار می‌گیرد. قطعنامه‌های بعد از سال ۲۰۰۵ این روند را تشدید می‌کند. تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که اتحادیه اروپا در آن نقش فزاینده‌ای داشته در تغییر رویه‌های سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در این بازه زمانی فوق، تأثیرگذار بوده است. قطعنامه ۱۶۹۶

شرایط را برای قرار گیری ایران ذیل فصل ۷ منشور شورای امنیت نیز مهیا می‌سازد (قطعنامه ۱۶۹۶، سایت سازمان ملل متحد).

به مرور دامنه تحریم و قطعنامه‌ها گسترده می‌شود و به دیگر حوزه‌های نظامی، توسعه ای، اقتصادی و درمانی نیز سرایت می‌کند. استفاده طرف اروپایی-غربی از شورای حکام در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ نیز بر مبنای تلاش برای سلب حقوق قانونی ایران معرفی می‌شود. این قطعنامه‌ها از سوی طرف ایرانی به عنوان نمودی از رویکردهای رئالیستی و درگیرانه نظام بین‌الملل با کشور در حوزه‌های هسته‌ای مورد شناسایی قرار می‌گرفت. ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، تحت فشار برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، انگلستان و آلمان شکل می‌گیرد که نقش محوری اروپایی‌ها در الگوی رئالیسم تهاجمی نمایان می‌شود. در این قطعنامه تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی و باز فرآوری هسته‌ای مورد رصد و محدودیت‌های جدی قرار می‌گیرد (روزنامه اعتماد ملی، ۴ دی ۱۳۸۵: ۱۱).

تحریم ژوئیه ۲۰۰۶ شورای امنیت و قطعنامه ۱۶۹۶ نیز تعلیق غنی سازی اورانیوم را به ایران امر می‌کند. قطعنامه ۱۷۳۷ نیز در همان سال تصویب گردیده و بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل، ایران را تهدید می‌کند. قطعنامه‌های ۱۷۴۷ (مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰) که توسط شورای امنیت سازمان ملل تصویب می‌گردد نیز سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار داده و آنان را تهاجمی می‌نماید (Cordesman, Al-Rodhan, 2006: 213).

در کنار قطعنامه‌ها، تحریم‌ها نیز در روند افزایشی سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوره تحریم‌ها شرایط را برای شکل گیری احساس خطر و تهدید از سوی طرف اروپایی-غربی ایجاد می‌کند و دستگاه سیاست خارجی نیز در تلاش بوده تا نگرشی مقابله جویانه را مورد پیگیری قرار دهد. در این دوره درک دستگاه سیاست خارجی کشور برای بالا بردن تکنولوژی‌های سطح بالای هسته‌ای ایران به عنوان راهی در مقابل این زیاده خواهی و تحریم‌های قطعنامه‌ای از سوی دیگر بازیگران مبتنی بوده است.

۲) شکل‌گیری احساس تهدید-هراس ایران نسبت به اتحادیه اروپا

مسئله درک تهدید آمیز و هراس از اقدامات طرف اروپایی نیز در سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأثیرگذار بوده است. این امر به دلیل بدبینی طرف ایرانی به طرف غربی-اروپایی صورت می‌گیرد.

گذار اتحادیه اروپا از دیپلماسی به تهدید، بر رویکردهای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. در سال ۲۰۰۵ ایران نیز بر مبنای هراسی که از تصمیمات و تعاملات رئالیستی طرف اروپایی در جریان مذاکرات داشته، حقوق هسته‌ای را در تقابل با درخواست‌های بازیگر مقابل اعلام کرده و مقابله را در دستور کار قرار می‌دهد. ایران بر مبنای تهدیداتی که از جانب طرف مقابل ادراک کرده بود، توان امنیتی و ساخت موازنه قوا را در دستور کار قرار می‌دهد و سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای خود را نیز بر این امر استوار می‌سازد.

۳) تلاش برای بازدارندگی تکنولوژیکی هسته‌ای از سوی طرف ایرانی

همانطور که در چهارچوب نظری بیان گردید، مسئله تکنولوژی‌های سطح بالای هسته‌ای به عنوان یک شاخص برای ساخت بازدارندگی و موازنه قوا در رویکرد رئالیسم تهاجمی مورد معرفی قرار می‌گیرد. نیاز به بازدارندگی هسته‌ای بر مبنای افزایش توانایی‌های تکنولوژیک هسته‌ای ایران نیز در این بازه زمانی به خوبی قابل مشاهده است. این مسئله به نظر می‌رسد که در دولت احمدی‌نژاد مورد پیگیری قرار می‌گیرد. در این شرایط است که دستگاه سیاست خارجی ایران درصدد دستیابی به فناوری‌های هسته‌ای به عنوان امری بازدارنده در مقابل تهدیدات طرف اروپایی و تضمینی امنیتی برای تقابل با آنان و در مقابل سیاست‌هایشان است. تجارب تاریخی ایران از تهدیدات طرف اروپایی-غربی نیز در پیگیری این روش مؤثر بوده است. تهدیدات منطقه‌ای علیه ایران و نگاه بدبینانه و ضد امنیتی کشور به طرف مقابل نیز شاخص با اهمیتی بوده که در طی این مدت بر نگرش‌های جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. به صورت کلی رویکرد رئالیست تهاجمی بر این اعتقاد است که امنیت، ثبات و موازنه به عنوان پایه‌های محکم منافع یک کشور می‌باشند که بر مبنای بازدارندگی فناوری هسته‌ای شکل می‌گیرد (Landau,

2012). از این روی افزایش توانایی‌ها و فناوری‌های هسته‌ای از سوی طرف ایرانی به عنوان امری موازنه بخش و ممانعت کننده طرف مقابل از تهاجم مورد معرفی قرار می‌گیرد (O, Neil, 2009: 49). یکی دیگر از عواملی که بر هراس و تهدید طرف ایرانی تأثیر داشت، مسئله محیط امنیتی پیرامون مرزهای جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و پاکستان و حمله ۲۰۰۳ به عراق و اختلافات ایران با کشورهای عربی و تهدید اسرائیل نسبت به ایران بوده است که این مسائل نیاز جمهوری اسلامی را برای افزایش توانایی‌های تکنولوژیکی هسته‌ای را افزایش می‌دهد (Segen, Waltz and Betts, 2007).

۲۹۳

از این رو درک ایران برای برنامه‌های فناوری هسته‌ای و ایجاد بازدارندگی از طریق فناوری‌های هسته‌ای پیچیده، امری بوده است که قابلیت‌های نظامی تهاجمی و دفاعی ایران را افزایش داده و به عنوان عاملی در جهت بازدارندگی و ثبات منطقه‌ای و جذب نفوذ و پرستیژ کشور بوده است (mayer, 2003: 26).

در این الگو به نظر می‌رسد که ادراک ایران برای دستیابی به این تکنولوژی‌های هسته‌ای در مقابل سیاست‌های طرف اروپایی بر مبنای تلاش برای حل خطرات و تهدیدات امنیتی، ایجاد پرستیژ سیاسی منطقه‌ای، بالاتر بردن مرتبه قدرت و امنیت منطقه‌ای و استقلال خواهی در تصمیم‌گیری‌های امنیتی از قدرت هژمون بوده است. در این بین طرف اروپایی غربی نیز تلاش‌های ایران را لزوماً برای دستیابی به سلاح هسته‌ای مورد معرفی قرار می‌داد و این در حالی بود که دستگاه سیاست خارجی ایران، تلاش برای ساخت بمب اتم را ضروری نمی‌دید، بلکه دستیابی به تکنولوژی‌های سطح بالای هسته‌ای، به عنوان امری موازنه ساز مدنظر دولتمردان قرار داشت. طرف آمریکایی نیز رصدی دقیق بر فعالیت‌های هسته‌ای طرف ایرانی داشت. آمریکایی‌ها بر این اعتقاد بودند که بازیگر ایرانی برای شکافت اورانیوم به حد نظامی تلاش گسترده‌ای نموده‌اند (Aliboright and ea al, 2012: 8).



۴) منزلت یابی هژمونیک ایران در مقابل سیاست‌های طرف اروپایی

قدرت یابی دولت ایران در مقابل طرف اروپایی مورد توجه دستگاه سیاست خارجی کشور قرار داشته است. قدرت طرف اروپایی-غربی از طریق این مذاکرات هسته‌ای نیز شاخصی بوده که به شدت مورد توجه بازیگران بین‌المللی قرار می‌گیرد. همانطور که بیان گردید طرف اروپایی بر این اعتقاد بود که ایران درخواست افزایش تکنولوژی‌ها و توانایی‌های هسته‌ای خود را در جهت رسیدن به منزلت هژمونیک مورد نظر قرار داده است. از آنجایی که در رئالیست تهاجمی رقابت زمانی به پایان می‌رسد که دولتی به مرحله هژمونیک برسند، این مسئله مذاکرات هسته‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (نصری، ۱۳۸۶: ۲۳۸). هر دو بازیگر اروپا و ایران در تلاش بودند تا وضعیت هژمونیک را تصاحب نمایند و سیاست اتحادیه اروپا در این حوزه بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد. ایران درک تهدید آمیزی از سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران داشته و از طریق سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای به تلاش برای منزلت یابی‌های هژمونیک مبادرت می‌کرده است.

۵) عدم پابندی طرف اروپایی-غربی به برجام و تأثیر آن بر سیاست‌های هسته‌ای ایران

یکی از عواملی که منجر به پیگیری سیاست‌های رئالیستی ایران در حوزه هسته‌ای گردید، مسئله عدم پابندی دقیق و شفاف طرف اروپایی به تعهداتش نسبت به ایران بوده است. ایران بر مبنای این عدم تعهد طرف غربی، در سال ۲۰۰۵ اعلام می‌کند که طرف غربی و اروپایی، مایل نیست که ایران حتی در چهارچوب NPT نیز فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز خود را پیگیری نماید و در صورتی که ایران در مقابل فشارها و تهدیدات طرف غربی و نظام سلطه ایستادگی لازم را نداشته باشد، امکان از دست رفتن امنیت و منافع ملی حیاتی ایران وجود دارد (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

احساس تهدید و عمل نکردن طرف غربی (آمریکا و اروپا) نسبت به تعهدات هسته‌ای یکی از دلایل اصلی و شروع کننده روند تهاجمی ایران در مقابل غرب بوده است.

۶) زیاده خواهی های طرف اروپایی-غربی و و تأثیر آن بر سیاست‌های هسته‌ای ایران در طی دوره احمدی‌نژاد، تیم سیاست خارجی ایران بر این اعتقاد بود که علاوه بر عدم تعهد طرف غربی-اروپایی نسبت به تعهدات، مجموعه زیاده خواهی هایی را نیز آنان در دستور کار قرار داده و تلاش می‌کنند فراتر از قوانین، ایران را محدود سازند. ایران در اکتبر ۲۰۰۴ بر مبنای اعتمادی که به طرف مقابل داشت، به بازرسان آژانس انرژی اتمی اجازه می‌دهد که از مجموعه نظامی صنعتی کلاه‌دوز بازرسی داشته باشند و همچنین در ژوئن ۲۰۰۴ نیز بازرسی‌های از مجموعه لویزان و سایت نظامی پارچین در ژانویه ۲۰۰۵ نیز مورد موافقت ایران قرار می‌گیرد. علی‌الرغم همکاری‌های طرف ایرانی، اتحادیه اروپا تلاش گسترده‌ای را در این بازه زمانی برای ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت داشته و همین مسئله در شرایطی کاملاً غیر حقوقی و سیاسی شده، به ضرر ایران صورت می‌گیرد. مسئله زیاده‌خواهی های طرف غربی سبب گردید تا سیاست گذاری‌های هسته‌ای ایران روندی رئالیستی به خود گیرد.

۷) احتمال درگیری-تحریم نظامی و تأثیر آن بر سیاست‌های هسته‌ای ایران مسئله احتمال حمله و درگیری‌های نظامی و همچنین گسترش تحریم‌های نظامی بر علیه ایران نیز یکی از شاخص‌های اساسی بوده است که در طی این مدت بر سیاست‌گذاری های هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد. از سال ۲۰۰۵ به بعد طرف ایرانی به این نتیجه رسید که اروپایی‌ها درصدد می‌باشند تا رویه‌ای رئالیستی را برای تقابل نظامی و مهار نظامی ایران در دستور کار قرار دهند و از این روی تأکید بر قدرت نظامی و موشکی جمهوری اسلامی ایران، شاخص با اهمیتی در تعاملات ایران و اتحادیه اروپا بوده است. تحریم‌های نظامی و رئالیستی بر علیه ایران نیز نمودی دیگر از تقابل نظامی دو بازیگر بوده که شکل گیری رویکردهای مرتبط با رئالیسم تهاجمی در حوزه سیاست‌گذاری هسته‌ای را موجب گردید. همانطور که بیان گردید تحریم‌های طرف غربی و اروپایی بر علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران، روند فزاینده و گام به گام داشته و در مراحل بعدی از سطح غنی سازی هسته‌ای فراتر رفته و هرگونه فناوری و تکنولوژی

برای سیستم موشکی و پرتابی ایران را نیز مورد نظر قرار می‌دهد (روزنامه اعتماد ملی، ۴ دی ۱۳۸۵).

سیاست‌های رئالیستی اتحادیه اروپا نسبت به مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ نمود واضح‌تری را داشت و تیم سیاست خارجی ایران بر این اعتقاد گردید که کشورهای غربی و همچنین اتحادیه اروپا تلاش دارند تا قدرت نظامی کشور را نیز از بین برده و توانایی‌های دفاعی ایران را کاهش دهند. این امر بر سیاستگذاری‌های هسته‌ای و موشکی ایران تأثیر می‌گذارد. در این دوره قطعنامه‌های طرف اروپایی بر ارتباط بین سلاح‌های نظامی، موشکی و مسئله هسته‌ای ایران تأکید داشته است. از سویی دیگر افزایش توانایی‌های نظامی و موشکی ایران برای تقابل با تحریم‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. ایران از سویی دیگر از احتمال حمله نظامی مستقیم طرف اروپایی-آمریکایی بر علیه حاکمیت ملی کشور هراس داشته است. ایران اعلام می‌کرد که تجربه عراق صدام و حمله نظامی دولت آمریکا به این کشور که بر مبنای ادعای داشتن سلاح‌های کشتار جمعی و انهدام موشک‌های میان برد صدام صورت گرفته است، سناریویی بوده که در قبال ایران نیز امکان پیگیری دارد. از این رو نوعی هراس از حمله نظامی طرف غربی به افغانستان ۲۰۰۱ و عراق ۲۰۰۳ حوزه‌های امنیتی پیرامونی ایران را درگیر نموده بود. در این شرایط بود که دولت ایران در مقابل این احتمال تهاجم و حمله نظامی، رویکردی تهاجمی برای دفاع در مورد بقا و موجودیت خود را در دستور کار قرار می‌دهد. در این دوره صحنه درگیری‌های رئالیستی مستقیم ایران و طرف اروپایی به میزان زیادی رشد می‌کند و در این ارتباط اسرائیل، اتحادیه اروپا و آمریکا و ... نوعی همراستایی منفعتی بر علیه ایران را پیدا می‌نمایند که آنان را در تقابل با هژمونی منطقه‌ای ایران قرار می‌دهد (روزنامه آفتاب یزد، ۴ دی ۱۳۸۵، ص ۲). این موارد نیز بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد و دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای به عنوان گامی در جهت پاسخگویی به این تهدیدات از سوی طرف ایرانی بوده است. قطعنامه مارس ۲۰۰۷ نمود واضحی از تعارضات طرف اروپایی در حوزه‌های نظامی بر علیه ایران بوده که فراگیر شدن دامنه تحریم‌ها به حوزه‌های نظامی را موجب می‌گردد (اسفید واجانی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی شماره ۲۲۰: ۴۶). دستگاه

سیاست خارجی ایران در حوزه سیاستگذاری های هسته‌ای تلاش می‌کرد تا نفوذ و انقیاد نظامی اتحادیه اروپا را با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود حل نماید. اتحادیه اروپا نیز برای مقابله با این رفتار ایران تلاش می‌کند تا تمامی افرادی که با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران در ارتباط بوده‌اند را تحریم نماید (قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، سایت شورای امنیت سازمان ملل متحد).

۸) درگیری‌های منطقه‌ای با طرف اروپایی-غربی و تأثیر آن بر سیاست هسته‌ای ایران یکی از مواردی که سبب شکل‌گیری رویکردهای تهاجمی و تحریمی طرف اروپایی در قبال ایران و به تبع آن سیاستگذاری های هسته‌ای تهاجمی کشور گردید، مسائل منطقه‌ای حل نشده مابین طرفین بوده است. از سویی طرف ایرانی تلاش می‌کرد که برای به دست آوردن ام‌القرای جهان اسلام در دوره احمدی‌نژاد تلاش نماید و در فضای آنارشی خاورمیانه سیاست خارجی خاص خود را پیگیری کند. نبردهای نیابتی مابین ایران، عربستان، آمریکا و ناتو در منطقه نمودی از این امر بوده است (Mabon, 2013: 101).

ایران به دلیل نداشتن متحد قابل اتکا در منطقه، خلأهای امنیتی را در دوره احمدی‌نژاد حس می‌نمود و توانایی سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه نظامی و مانورهای پرهزینه را نداشته و تلاش می‌کرد برای حل خلأهای امنیتی کشور، از تکنولوژی هسته‌ای به عنوان هزینه کردی برای امنیت سود ببرد (هانتز، ۱۳۹۲: ۱۳۱). از سویی دیگر خلأ امنیتی در عراق نیز تعارضات ایران و اتحادیه اروپا را در دوره احمدی‌نژاد شدت می‌بخشید. به صورت کلی دولت روی کار آمدن نوری المالکی به واسطه شکل‌گیری دولت شیعی مورد حمایت جدی ایران، شرایط را برای نفوذ ایران در عراق فراهم آورده بود و همین مسئله سبب شکل‌گیری درگیری‌هایی مابین طرف اروپایی و ایرانی گردید (Cordeman, 2014: 263). قدرت‌های منطقه‌ای همراستا با طرف اروپایی-آمریکایی نیز دچار تعارضات مستقیم و غیر مستقیم با ایران می‌گردند (عربستان، امارات، ترکیه و...). بحران سوریه نیز که از سال ۲۰۱۱ شروع گردیده بود به صورت غیر مستقیم رویارویی طرف ایرانی و اروپایی را موجب گردیده بود. در نتیجه

ایران تلاش می‌کرد تا با استفاده از موازنه تکنولوژی هسته‌ای، این بحران‌ها را کنترل نماید و سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای خود را بر این مبنا سامان بخشد.

نتیجه‌گیری

همانطور که بیان گردید، یکی از اصلی و استراتژیک‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه تعاملات بین‌المللی بر پایه سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای کشور تحقق یافته است و این امر بعد از دهه ۸۰ شمسی روندی فزاینده می‌یابد. نقش اتحادیه اروپا در همراهی با طرف آمریکایی (و حتی در مواردی سرکردگی تقابل با ایران) به ویژه بعد از ۲۰۰۴ امری واضح بوده که در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ به صورت فزاینده‌ای رشد می‌یابد. تلاش اتحادیه اروپا برای موازنه سازی، ساخت تهدید، تحریم، توییح، محرومیت‌های متنوع و ... بر علیه ایران در قالب قطعنامه‌های گوناگون نمودی از این مسئله است. جمهوری اسلامی نیز در بازه زمانی مذکور در مقابل این هراس ایجاد شده از سوی طرف اروپایی درصدد ساخت موازنه، دست‌یابی به منزلت هژمونیک، حل‌خلاقاً امنیتی موجود، قدرت‌یابی منطقه‌ای و ... بوده که این امر بر سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای کشور نیز تأثیر می‌گذارد. ایران در این بازه زمانی رفع تعلیق‌های هسته‌ای، فعال کردن ساترفیوژهای هسته‌ای و ورود به مرحله صنعتی هسته‌ای، تلاش برای اجماع افکار عمومی داخلی در حوزه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، نگاه به شرق و تلاش برای افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در مذاکرات، تلاش برای یارگیری از کشورهای در حاشیه مانده و غیر متعهد جهان برای موضوع هسته‌ای و روند رو به افزایش فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران و ... را مورد پیگیری قرار می‌دهد.

بر مبنای الگوی رئالیسم تهاجمی تلاش‌های ایران در حوزه سیاست‌گذاری‌های هسته‌ای، کوششی برای کسب منزلت‌یابی و به دست آوردن قدرت نسبی در تعاملاتش با طرف اروپایی-غربی بوده است که در مقابل قدرت‌های هژمون جهانی صورت می‌گیرد. هراس از قطعنامه‌ها، بدعهدی‌ها و حتی حمله نظامی طرف اروپایی-غربی نسبت به ایران نیز در پیگیری این الگو مؤثر بوده است. این سیاست‌های امنیتی و رئالیست تهاجمی برخی هزینه‌ها را بر حوزه‌های اقتصادی و توسعه‌ای ایران نیز باقی

می‌گذارد. از سویی دیگر اجماع ملی نیز در سطح نخبگان منجر به شکل‌گیری دوگانه رئالیست تهاجمی در مقابل رویکردهای وابستگی متقابل می‌گردد و برخی از نخبگان بر توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم به جای پیگیری رویکردهای امنیتی تاکید می‌کنند. این امر منجر به چرخش برخی از سیاستگذاری‌های هسته‌ای ایران به رویکرد جدید (به ویژه در سال ۱۳۹۲ و انتخاب حسن روحانی) می‌گردد.

به صورت کلی در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ و به ویژه بعد از ۲۰۰۸ همراهی و همراستایی اتحادیه اروپا و آمریکا برای فشار بر ایران و کنار گذاشتن فعالیت‌های هسته‌ای کشور شدت می‌گیرد که این امر، همانطور که در متن بیان گردید، پاسخگویی رئالیستی تهاجمی را نیز از سوی طرف ایرانی موجب می‌گردد.

به صورت کلی در طی این دوره بر مبنای رویکرد رئالیست تهاجمی و صریح دولت احمدی‌نژاد علاوه بر این که توانایی‌های هسته‌ای ایران به عرصه‌های بین‌المللی نمایان می‌گردد، تقابل جدی رویکردهای بین‌المللی در موازنه‌سازی و تقابل رئالیستی با ایران نیز قابل مشاهده است. بر مبنای رویکرد رئالیسم تهاجمی تضاد و کشمکش عنصر اصلی مسئله هسته‌ای ایران و طرف اروپای معرفی می‌شود که از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل نشأت گرفته بود. در این شرایط بازیگران بر مبنای اقدامات تهاجمی یکدیگر، تصمیمات مقتضی را اخذ نموده بودند و مسئله خودیاری و عدم اطلاع دو بازیگر از اقدامات و نیت تهاجمی و احساس تهدیداتی که از یکدیگر داشته‌اند، بر تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌های‌شان تأثیر داشته است.



تعاملات و ارتباطات رتالیسم نهایجی ایران و طرف اروپایی در موضوع هسته‌ای

منابع

- اجاقلو، نسیم الله. (۱۳۸۵). *شورای امنیت آخرین ایستگاه پرونده هسته‌ای ایران*، چاپ اول، نشر مرکز.
- استیور اسمیت، بلیس جان. (۱۳۸۱). *جهانی شدن سیاست*، ترجمه گروهی از مترجمین، تهران: ابرار معاصر.
- حسینی اسفیدواجانی، سید مهدی. (۱۳۸۴). «پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران در روابط ایران و آمریکا»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۲۱۹-۲۲۰، صص ۵۷-۴۰

حسینی اسفیدواجانی، سید مهدی. (۱۳۸۴). «پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران در روابط ایران و آمریکا»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۲۱۹-۲۲۰، صص ۵۷-۴۰

دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. (۱۳۹۰). «واقع‌گرایی نو کلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره دوم دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. (۱۳۹۰). «واقع‌گرایی نو کلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره دوم دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا از آغاز نشست بروکسل»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، تهران س ۱۹

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا از آغاز نشست بروکسل»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، تهران س ۱۹

روزنامه اعتماد ملی، (دوشنبه ۴ دی ۱۳۸۵)، شماره ۲۶۳، ص ۱۱

روزنامه اعتماد ملی، (دوشنبه ۴ دی ۱۳۸۵)، شماره ۲۶۳، ص ۱۱

قطعه‌نامه شورای امنیت سازمان ملل ۱۷۴۷، برگرفته از سایت شورای امنیت سازمان ملل متحد.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

مولانا، حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

مولانا، حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

میرشایمر جان. (۱۳۸۸). *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلام علی چگینی‌زاده، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

نصری، قدیر. (۱۳۸۶). «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره دوم، مسلسل ۳۶

نصری، قدیر. (۱۳۸۶). «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم، مسلسل ۳۶

هانتر، شیرین. (۱۳۹۲). سیاست خارجی ایران در دوران فروپاشی شوروی، ترجمه مهدی ذولفقاری، تهران: نشر میزان

- Albright and A. Stricker (2016). "Heavy Water Loophole in the Iran Deal", in Institute for Science and International Security, 21 December 2016. See also Dawn, "Iran to sell 40 tonnes of heavy water to US", 13 January 2016.
- Albright and A. Stricker, (2016). "U.S. Purchase of Iran's Heavy Water: Encouraging a Dangerous Nuclear Supplier", in Institute for Science and International Security, 23 May 2016.
- BBC News, 17 Sep. 2007 France warning of war with Iran' Kerr, P., (2006). 'Iran, EU struggle to start nuclear talks', Arms Control Today, vol. 36, no. 8 (Oct. 2006).
- Blitz; J. (2009). "Interference" rules EU out of nuclear talks, says Iran', Financial Times, 2 July 2009
- British Prime Minister's Office, (2012). 'PM, Chancellor Merkel and President Sarkozy statement on Iran sanctions', 23 Jan. 2012, <http://www.number10.gov.uk/news/iran-sanctions>.
- Charter, D., (2009). 'British calls for diplomatic walkout from Iran are rejected by EU partners', The Times, 3 July 2009
- Corrdesman, Anthony, Khlid, (2006). Iran s Wapons of Mass Destruction, The real and Potential Threat, Canada, Csis
- Council of the European Union, (2011). '3130th Foreign Affairs Council conclusions on Iran', Brussels, 1 Dec. 2011, <http://www.eu-un.europa.eu/articles/en/article_11647_en.htm
- Council of the European Union, (2012). Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012 amending Decision 2010/413/CFSP concerning restrictive measures against Iran, Official Journal of the European Union, L19, 24 Jan. 2012
- Council of the European Union, 'Council conclusions on Iran, 'Foreign Affairs Council meeting', Luxembourg, 15 Oct. 2012, >https://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_Data/docs/pressdata/EN/foraff/132833.pdf
- Craill, P (2005). 'US offers Iran direct talks', Arms Control Today, vol. 36, no. 5 (June 2006)

۳۰۲

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

سوم، شماره پیاپی

بیست و نهم

پاییز ۱۳۹۷



- Crail, P.” (2007). ‘UN Iran sanctions push thwarted for now’, Arms Control Today, vol. 37, no. 8 (Oct. 2007)
- EU Presidency, (2010). ‘The EU approves new sanctions against Iran’, 17 June 2010, <http://www.eu-un.europa.eu/articles/en/article_9871_en.htm
- Fuquet, H., (2011). ‘Sarkozy calls for freeze of Iran’s central assets, newsanctions’, Bloomberg, 21 Nov. 2011, <<http://www.bloomberg.com/news/2011-11-21/sarkozy-calls-for-freeze-of-iran-s-central-assetsnew-sanctions.html>
- International Atomic Energy Agency, (2006). Board of Governors, ‘Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008) and 1835 (2008) in the Islamic Republic of Iran’, GOV/2009/8, 19 Feb. 2009
- International Atomic Energy Agency, (2009). Board of Governors ‘Implementation of the NPT Safeguards Agreement and relevant provisions of Security Council resolutions in the Islamic Republic of Iran’, GOV/2011/65, 19 feb
- International Atomic Energy Agency, (2005). Board of Governors, ‘Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran’, Resolution, GOV/2005/77, 24 Sep. 2005, operational
- International Trade Center (2011). Iran’s trade development see: Islamic Republic of Iran, <http://www.intracen.org/layouts/CountryTemplate.aspx?pageid=47244645034&id=47244652056>
- Jervis, Robert (1989). “Rational Deterrence: Theory and Evidence,” World Politics, London
- Landau, Emily B, (2012). Is an Iran with nuclear weapons acceptable or even a potential good? September 27, <http://www.isn.ethz.ch/DigitalLibrary/Articles/Detail/?lng=en&id=162336>
- Lieber, Keir A. and Press, Daryl G., (2003). The New Era of Nuclear Weapons, Deterrence, and Conflict, Strategic Studies Quarterly, Spring 2013 M
- Mabon Simon, (2013). Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East, London
- Marashi, R. and Parsi, T., ‘For the sake of Europe, Sarkozy must stand down’, Al Jazeera, 14 Apr. 2012,
- Mearsheimer, John, J., (2006). Conversation in International Relations: Interview with John J. Mearsheimer (part1), International Relations, Vol 20(1).

- Mousavian, H., (2012). *The Iranian Nuclear Crisis: A Memoir* (Carnegie Endowment for International Peace: Washington, DC, 2012)
- O'Neil, Andrew, (2009). *Nuclear Weapons and Non-proliferation: Is Restraint Sustainable?*, Security Challenges, Vol. 5, No. 4, Summer
- Portela, C., (2003). *The Role of the EU in the Non-proliferation of Nuclear Weapons: The Way to Thessaloniki and Beyond*, Peace Research Institute Frankfurt (PRIF) Reports no. 65 (PRIF: Frankfurt am Main, 2003), pp. 17-1
- Rittberger, Volker, (2001). *German Foreign Policy Since Unification: Theories And Case Studies*: Manchester University Press
- Russell, A. (2005). 'Bush hints at talks rather than threats to rein in Iran', *Daily Telegraph*, 24 Feb. 2005
- Sagan, Scott, Waltz, Kenneth and Betts, Richard K., (2007). 'A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster?' in *Journal of International Affairs*, Vol. 60 No. 2
- Schmidt, Oliver, (2008). *Understanding & Analyzing Iran's Nuclear Intentions- Testing Scott Sagan's Argument of "Why do States build Nuclear Weapons"* Department of Politics and International Relations, Lancaster University Academic Year 2007/ 2008, September
- UN Security Council Resolution 1737, (27 Dec. 2006). UN Security Council Resolution 1747, 24 Mar. 2007; UN Security Council Resolution 1803, 3 Mar. 2008; and UN Security Council Resolution 1929, 9 June 2010. See also the UN Security Council's Iran Sanctions Committee website
- UN Security Council Resolution 1737, (27 Dec. 2006)
- UN Security Council Resolution 1747, (24 Mar. 2006)
- UN Security Council Resolution 1929, (9 June 2010),
- United Nations, Security Council, (1992). *Presidential Statement*, S/23500, 31 Jan. 1992
- US National Intelligence Council, (2007). 'Iran: nuclear intentions and capabilities', *National Intelligence Estimate*, Nov. 2007,